

# قرآن کریم

## معارف و اندیشہ ہامی تفسیری

رجعتی بہ تفسیر المیزان و علامہ علیہ السلام

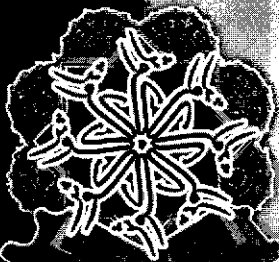
جلد

قرآن عظیم اسمائے اعظم (حصہ اول)

جلد

تفسیر اسمائے اعظم (حصہ دوم)

جلد



ربطی به

تفسیر

و سلامه طباطبائی

مرحوم آیت الله محمد هادی معرفت

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين و السلام على عباده الذين اصطفى محمد و آله الطاهرين  
 یکی از دغدغه‌های فکری اینجانب تفکر قرآنی علامه طباطبائی رحمته الله علیه می باشد .  
 علامه یکی از متفکرین و اندیشمندان درجه بالای عصر اخیر بود و این تفسیر  
 شریف المیزان مجموعه‌ای از افکار نو و تحقیقات بالای این مرد بزرگ است ، ولی  
 مشکل آن است که امثال بنده نوعاً کمتر توجه می‌کنیم به بعضی از نکات دقیق و  
 پر ارزش که ایشان در آن کتاب پرارزش به ودیعه نهاده است و چه بسا به برخی  
 از نکات قابل توجه ، خیلی عادی می‌نگریم .

علامه در تفسیر خویش ، اقوال مفسرین ، اقوال سلف را خوب مطالعه کرد . و با  
 یک ذهنیتی که از همه آنها و روایات گرفته ، رفته سراغ آیات ؛ و لذا این یک نوع  
 تناقض در قول و عمل به نظر می‌رسد که ایشان از یک طرف می‌فرمایند اساساً





قرآن کریم خود گویای خودش است و از یک طرف معلوم است که ایشان با ذهنیت خاص سراغ آیات رفته ، این برای بنده و شما دغدغه است .  
قاعدتاً شما هم متوجه این نکته شدید و لذا من برای حل این مشکل خواستم خدمت شما عرض کنم ، البته در همان جمع فضلا گفتم ؛ برای شما هم می‌خواهم عرض کنم ، ولی هنوز روی کاغذ نیامده و بنده تا مطلبی را چند بار در جمع فضلا مطرح نکم روی کاغذ نمی‌آورم .

مراجعه به روایات برای فهم قرآن کریم دو معنا دارد ، اولاً می‌دانید که تفسیر در جایی است که مشکلی در آیه به وجود بیاید و الا ترجمه آیات ، تفسیر نیست . مثلاً در باب تفسیر به رأی ، اختلافی بین آقای خوبی و علامه است که آقای خوبی می‌فرمایند : « اگر کسی طبق قواعد فهم در باب محاورات به سراغ آیات رود ، این تفسیر به رأی است . »

از سویی علامه می‌فرماید : « اساساً اگر شما برای فهم آیات ، سراغ قواعد مقررّه بروید این تفسیر به رأی هست . » و این یک اختلاف فکری است که بین این دو مرد بزرگوار که هر دو استوانه‌ای در تفسیر هستند وجود دارد .

ولی علامه نظر مبارکشان روی آیات مشکله است ، چون کشف الغطاء عن اللفظ المشکل ، اگر اشکالی و ابهام و پیچیدگی در لفظ آیه باشد که خود لفظ نمی‌تواند گویای خودش باشد . اینجاست که مفسّر کار خودش را انجام می‌دهد و با ابزار مناسبی که در اختیار دارد رفع مشکل می‌کند . گر چه آخر فرمایش خود آقای خوبی استناد به قواعد مقررّه در فهم قرآن کریم تفسیر نیست و آخر فرمایش ایشان می‌خورد به فرمایش علامه .

پس در مواردی که مثلاً فرض بکنید : « فَمَنْ حَاجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ » <sup>(۱)</sup> این اولاً برای مفسّر مشکل است ؛ چون « لاجنّاح » یعنی گناه نیست (لا بأس) حال اینکه سعی بین صفا و مروه واجب است و رکن است ، پس چطوری می‌گردد « فلا جناح » ؟ علامه می‌گوید : « شما چطور می‌توانید با قواعد مقررّه اشجار رفع از این آیه کنید؟ »

پس مسأله این است که نظر علامه روی آیات مشکله است که چگونه می‌تواند تفسیر کرد . آن وقت علامه می‌فرماید : « بنایستی سراغ روایات و ... »



سراغ روایات رفتن دو قسم است ؛ یک بار این است که شما از این روایات معنا در دهان آیه بگذارید و این ممکن نیست ، چون قرآن کریم خود باید گویای حقیقت خودش باشد ، قرآن خودش «بیانُ للناس» است و خودش « بصائر » و « نور » است و « تبیان » است .

پس ما یک وقتی سراغ روایات می‌رویم برای اینکه یک معنا را این روایت دهان آیه بگذارد ، که این را علامه ، منکر است . اما اگر می‌روی سراغ روایت برای اینکه فضایی را برای شما باز کند و شما را در فضایی قرار دهد که خودت از آیه مطلبی را بفهمی ، این درست است . و حالا من این را می‌خواهم توضیح دهم . ببینید این مسأله روشن است که اسلوب قرآن کریم ، اسلوب گفتاری است و اسلوب نوشتاری نیست ؛ ویژگی اسلوب گفتاری این است که متکلم روی ذهنیت مخاطب خاص تکیه می‌کند و این بر خلاف اسلوب نوشتاری است که روی ذهنیت متکلم خاص تکیه نمی‌کند و باید روی مدلول الفاظ تکیه کند و اگر بخواهد خارج از این محدود بگوید باید قرائن در خود کلامش باشد ، و إلا حق ندارد ، چون مخاطب خاص ندارد و مخاطبش همه جهان است . و لذا نباید روی ذهنیت خاص و روی قرائن حاضر در مجلس مخاطب تکیه بکند ، اما در گفتاری ، چرا ؛ قرآن کریم چون اسلوبش گفتاری است ، بر ذهنیت مخاطبین خاص و به آن قرائن موجود در زمان مخاطب تکیه کرده‌است .

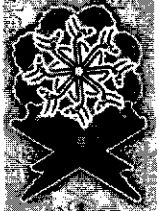
شما اگر بخواهید قرآن کریم را بفهمید باید بروید کنار آن مخاطبین خاص که بودند و آنجا بنشینید و گوش دهید به قرآن کریم و بفهمید و باید ذهنیتی برای شما به وجود بیاید عین همان ذهنیتی که آنها داشته‌اند و آن وقت قرآن کریم هیچ مانع نخواهد داشت ، حال نقش روایت چیست ؟

ایست این است که دست شما را می‌گیرد و ۱۴۰۰ سال می‌برد بالا ، نزد مخاطب این آیه و ذهنیتی به شما می‌دهد مثل ذهنیتی که آنها داشتند . ایست ، فضایی را ایجاد می‌کند مانند همان فضایی که آنها داشتند . پس ایست ، فضایی را ایجاد می‌کند تا تو از خود قرآن کریم دریافت کنی . چند مثال می‌زنم ، آیه‌ای که می‌خواندیم

و در چه فضایی و در چه

رحمتی به تفسیر المیزان و علامه طباطبائی (ره)





مناسبتی نازل شده است. لذا سراغ حضرت امام صادق علیه السلام می‌روی و حضرت به شما توضیح می‌دهد و دست شما را می‌گیرد و می‌برد در آن فضا، که پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله بعد از صلح حدیبیه تعهد گرفت از مشرکین برای سال آینده - که سال هفت هجری باشد - که خودش با اصحاب به عمره بروند.

اما خودش با آنها شرط کرد موقعی که می‌آییم بایستی مکه را تخلیه کنید و تمام بتها را از اطراف خانه و از کوه صفا و مروه، که دو تا بت قرار داده بودند به نام اساف و نائله، پاک کنید. ولی عده‌ای از صحابه به علی هنوز سعی را انجام نداده بودند و وقتی رفتند انجام دهند دیدند بتها برگشته، «فتخرج»؛ یعنی فکر کردند که الآن اگر بخواهند سعی کنند با وجود این بتها گناه باشد، احساس حرج کردند و این آیه نازل شد که شما احساس حرج نکنید:

﴿إِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ (با قطع نظر از این بتها) مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ﴾ پس آیه دفع توهم حرج می‌کند. و امام صادق علیه السلام آیه را معنا نکرد، بلکه آن فضایی را که این آیه نازل شده برای شما تصویر و ایجاد کرد و آن ذهنیتی را که مسلمانان در آن موقع داشتند، فراهم کرد تا معنی آیه خودش مفهوم شود.

و یا در آیه وضو، «زُرَّارَه» از امام صادق علیه السلام سؤال می‌کند: «مِنْ أَيْنَ عَلِمْتُ وَقُلْتُ أَنَّ الْمَسْحَ بِيَعْضِ الرَّأْسِ». حضرت فرمود: «لِمَكَانِ الْبَاءِ»<sup>(۲)</sup> و زراره چون عرب بود و می‌دانست قصه چیست، فوراً فهمید. چون خود مسح، متعدی است و نیاز به حرف تعدیه ندارد. آن وقت اگر خداوند می‌فرمود: «وَامْسَحُوا رُؤُوسَكُمْ» باید تمام سر مسح می‌شد و خداوند یک [حرف] باء اضافه کرده که به معنی الصاق است لذا باء الصاق را در معنای مسح تضمین کرد.

پس اگر رفتن سراغ روایات برای فهم قرآن کریم، بدین جهت باشد که ما معنی را از روایت بگیریم و دهان آیه بگذاریم این همان است که علامه با آن مبارزه می‌کند و اما اگر به این معنا باشد که به کمک روایت ما در فضایی قرار بگیریم که خود معنی آیه را بفهمیم، اشکالی ندارد.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

\* این متن آخرین سخنرانی علمی عالم فرزانه و محقق والامقام حضرت آیت الله حاج شیخ محمد‌هادی معرفت رحمته الله علیه در جمع فضلاء و پژوهشگران برتر حوزه دین می‌باشد که یک روز پیش از ارتحال در روز پنجشنبه ۲۸ دی‌ماه ۸۵ ایراد فرمودند.

مؤسسه فصلنامه قرآنی کوثر که همواره از رهنمودهای ارزشمندی این عالم و مفسر جلیل‌القدر بهره‌مند بود، رحلت این استاد بزرگ علوم قرآنی را به محضر مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای و حوزه‌های علمیه و جامعه قرآنی کشور تسلیت عرض می‌نماید.  
روحش شاد و راهش پر رهرو باد!

#### پی‌نوشتها:

۱- بقره، آیه ۱۵۸

۲- الفقیه، ۱/۱۰۳

